



یوحنا قمیر

فیلسوفان مسلمان

فلسفه اسلامی

به همراه گزیده‌ای از متون



ترجمه دکتر سید مرتضی حسینی

مقدمه و ویرایش: دکتر سید عباس ذهبی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
کتابخانه ملی

سرشناسه	قمیر، یوحنا
عنوان و نام پدید آور	فارابی / یوحنا قمیر / ترجمه دکتر سید مرتضی حسینی
مشخصات نشر	تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	۱۷۶ ص.
فروست	فیلسوفان مسلمان ۲.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۰۳۷-۰
وضعیت فهرست نویسی	فپا.
موضوع	فارابی محمد بن محمد، ۹۲۶-۱۰۳۹ ق.
موضوع	فلسفه اسلامی
موضوع	فیلسوفان اسلامی
شناسه افزوده	حسینی، سید مرتضی، ۱۳۵۸-، مترجم.
شناسه افزوده	ذهبی، سید عباس، مقدمه نویسنده، ویراستار.
رده بندی کنگره	۱۳۹۱ ۴۱۰۴۲ ق/۲۷ BBR
رده بندی دیویی	۱۸۹/۱
شماره کتاب شناسی ملی	۲۷۹۲۹۵۱



■ فارابی

یوحنا قمیر	ترجمه دکتر سید مرتضی حسینی
مقدمه و ویرایش:	دکتر سید عباس ذهبی
دبیر مجموعه:	دکتر سید مرتضی حسینی
آماده سازی و تولید:	بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه
طراحی گرافیک: پرویز بیانی	چاپ و صحافی: الفبا
نویت و شمارگان: چاپ اول، ۱۳۹۴	۱۰۰۰ نسخه، ۱۰۵۰۰ تومان

هرگونه بهره برداری از کتاب بدون اجازه ناشر ممنوع است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

● تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴.

طبقه دوم، تلفن: ۶۶۴۷۷۴۰۵ ●

● www.parsehbook.com / info@parsehbook.com ●

فهرست

۹	مقدمه‌ی ویراستار
۲۱	سخن مترجم
۲۳	زندگی فارابی
۲۵	کتاب فارابی
۲۹	فلسفه فارابی
۳۱	جمع میان آرای افلاطون و ارسطو
۳۱	۱. دلایل یکی کردن آرای افلاطون و ارسطو
۳۳	۲. چگونگی تطبیق
۳۷	۳. عدم توفیق در تطبیق
۳۹	خداوند یا موجود اول
۴۳	فیض: ظهور جهان از موجود اول
۴۵	نفس: معرفت حسی و عقلی
۵۱	سیاست
۵۱	سیاست اخلاقی
۵۲	الف. وظایف انسان در باره‌ی بالادستان
۵۳	ب. وظایف انسان در قبال کسانی که با او هم‌رتبه‌اند
۵۴	پ. وظایف انسان در قبال زیردستان
۵۴	ت. وظایف انسان در قبال خودش
۵۵	سیاست مدنی
۵۶	ضرورت وجود جامعه و همکاری افراد آن
۵۶	گونه‌های جوامع
۵۷	الف. مدینه‌ی فاضله
۶۱	ب. مدینه‌هایی که در تضاد با مدینه‌ی فاضله‌اند

۶۱	۱. تعریف هر یک از مدینه‌ها
۶۲	۲. آراء موجود در مدینه‌ها که در تضاد با مدینه‌ی فاضله‌اند
۶۴	۳. جبرگر، عدالت است
۶۴	۴. خاشع، یافرب‌کار است یا فرب‌خورده
۶۵	۵. حکمت باطل
۶۶	پ. سرانجام این مدینه‌ها
۶۹	نگاه کلی
۷۳	گزیده‌ی متون
۷۵	جستارهایی از کتاب: تطبیق آراء دو فیلسوف
۸۱	جستارهایی از کتاب: آراء اهل مدینه‌ی فاضله
۱۱۷	جستارهایی از کتاب: سیاست مدنی
۱۲۱	جستارهایی از کتاب: سیاست اخلاقی
۱۲۵	جستارهایی از: مقاله‌ای در باب معانی عقل
۱۳۱	گزیده‌ی متون عربی
۱۷۳	نمایه

مقدمه‌ی ویراستار

آغاز فلسفه آغاز خردورزی است و خردورزی تاریخ معینی ندارد؛ از این رو برای شکل‌گیری فلسفه به سختی بتوان قطعیت تاریخی عرضه کرد. تحول اندیشه‌ی فلسفی هم‌چون پیوستگی روز و شب، در هم تنیده و به هم پیوسته است. نه نقطه‌ی شروع شب را می‌توان تشخیص داد و نه نقطه‌ی آغاز روز را و زمان تنها مقیاسی است برای نظم بخشیدن به زندگی و کمتی کردن جهان؛ تا آدمی جایگاه خود را بفهمد و خود را در ادامه‌ی سرگذشت پیشینیان ببیند و سلف را در پرتو خلف و خلف را در پرتو سلف تفسیر کند.

از همین جاست که تاریخ اهمیت پیدا می‌کند و هویت بخش می‌شود و انسان در پی هویت خود به سراغ گذشته می‌رود و اندک اندک تاریخ خردورزی در جامه‌ی فلسفه عرضه می‌شود و فیلسوفان پای خود را از گلیلم اسطوره به در می‌کشند و خود را هم‌چون نگین درخشان بر تارک زمان جای می‌دهند.

آنچه امروز «فلسفه‌ی اسلامی» خوانده می‌شود کم و بیش جریانی است با همین سرگذشت. نه نقطه‌ی آغاز قطعی و مشخصی می‌توان برایش معرفی کرد و نه حدود و ثغور آن را می‌توان به یقین شناخت؛ اما با شناختی قریب به یقین می‌توان در آن به تأمل نشست و چشم‌انداز بیش روی آن را نظاره‌گر بود.

هویت فلسفه‌ی اسلامی را هویت فیلسوفان مسلمان بدانیم یا ندانیم، در این تردیدی نیست که تاریخ فلسفه‌ی اسلامی تاریخ فیلسوفان مسلمان است و این روایت، روایت موجود از تاریخ فلسفه‌ی اسلامی بوده و هست.

تاریخ فلسفه را به چند روایت می‌توان تقریر کرد؛ یکی تاریخ مسائل فلسفه است و دیگری مکاتب فلسفی؛ روایت سوم تاریخ فلسفه بر اساس تقدّم و تأخّر

فیلسوفان است و روایت چهارم را شاید بتوان مجموعی از سه روایت پیشین دانست. آن چه در باب فلسفه‌ی اسلامی رخ داده است عمدتاً الگوی سوم است و شیوه‌ی این مجموعه هم، چنین است.

فلسفه‌ی اسلامی جریانی است که در رشد و پویایی خود از آب‌خوَرهای متعددی بهره گرفته است و در تاریخ حیات خود اوج و حسیض‌های فراوان دیده است. در کنار نبوغ و استعداد فیلسوفان مسلمان و پیشینه‌ی عقلانیت به ویژه در سنت ایرانیان، دو عامل را می‌توان از عوامل مؤثر در شکوفایی و رشد فکر فلسفی در جهان اسلام دانست. عامل اول که به لحاظ تاریخی مقدم است، پرسش‌ها و پاسخ‌هایی است که در باب برخی از مسائل دینی شکل گرفت و ذهن و زبان مسلمانان را به خود مشغول داشت و سبب بروز نخله‌های کلامی شد.

تاریخ علم کلام نشان می‌دهد که مباحث خداشناسی، انسان‌شناسی و جهان‌شناسی از همان سده‌ی نخست میان متفکران مسلمان شکل گرفت و رفته رفته پررنگ شد و از ساختار نقلی فاصله گرفت و به پرسش‌ها و مناظرات عقلانی بدل گردید. این مناظرات با حضور ملحدان و زندیقان در جامعه‌ی اسلامی شکل دیگری به خود گرفت و تولّد مجموعه‌ای از مبانی صرفاً عقلی را در پی داشت.

عامل دومی که در کنار این عامل ساختار فلسفه‌ی اسلامی را نظم بخشید و تعین تاریخی بدان داد، نهضت ترجمه بود. پیش از آن که نهضت ترجمه در اواخر سده‌ی دوم شکل بگیرد و از جانب حکومت حمایت شود، مسلمانان با برخی از نوشته‌های یونانی و ایرانی آشنا شده بودند؛ اما با سازماندهی مترجمان این دوره، مجموعه‌ی وسیعی از مکتوبات غیر عربی به زبان عربی ترجمه شد و در اختیار دانش‌پژوهان مسلمان قرار گرفت. بخش عظیمی از این مکتوبات به فلسفه‌ی یونان باستان و شارحان این فلسفه اختصاص یافت. همین امر چشم‌اندازی جدید را برای متفکران اسلامی گشود.

مباحث علمی پیشین که فراورده‌ی مناظرات کلامی بود، با این آموزه‌های نوظهور ترکیب شد و خامی آن به پختگی بدل گشت و هم‌چون ماده‌ای که قبلاً بدون صورت بود، صورتی نوین یافت و با چاشنی نبوغ و استعداد چهره‌های

ممتازی چون کندی و فارابی و ابن‌سینا در آمیختن تاب‌دین‌گونه فلسفه‌ی اسلامی در بستر تاریخ متولد شد.

هیچ اندیشه‌ای در خلأ متولد نمی‌شود. فلسفه‌ی اسلامی هم از این قاعده مستثنی نیست و از منابع فکری پیش از خود استفاده کرده است؛ اما این استفاده و برخورداری، گاهی به شکل غیر منصفانه‌ای تفسیر شده است. مخالفان امروزی فلسفه‌ی اسلامی عمدتاً دو دسته‌اند: عده‌ای که این فلسفه را همان فلسفه‌ی یونان می‌دانند و برای آن جایگاهی بیش از شرح و توضیح آن فلسفه قائل نیستند و از این منظر اصطلاح «فلسفه‌ی اسلامی» را نادرست خوانده و آن را ترکیبی خودستیز معرفی می‌کنند.

دسته‌ی دوم کسانی هستند که فلسفه‌ی اسلامی را از حیث فلسفی بودن آن نقد کرده و آن را صورت دیگری از علم کلام می‌دانند؛ شأیت کلامی برای آن قائل‌اند و فیلسوفان مسلمان را متکلم می‌خوانند.

صرف‌نظر از این پرسش که «فلسفه‌ی اسلامی چیست؟» و این‌که آیا این ترکیب، ترکیبی تناقض‌نما و خودستیز است یا ترکیبی معقول و پذیرفتنی — که البته تحلیل هر دو مجالی فراخ و نوشته‌ای مستقل می‌طلبد — در مقایسه‌ی دیدگاه دسته‌ی اول و دسته‌ی دوم یک نکته روشن می‌شود و آن این است که این دو دسته با هم تعارض دارند.

دسته‌ی دوم با استناد کلی به برخی آموزه‌های دینی موجود در آثار فیلسوفان مسلمان هم‌چون بحث‌های خداشناسی و آخرت‌شناسی، این فلسفه را یکسره کلام می‌خوانند شأیت فلسفی برای آن قائل نیستند؛ درحالی‌که دسته‌ی اول از آن رو که این فلسفه رونوشتی از فلسفه‌ی یونان است به سرزنش و توبیخ آن می‌پردازند. اگر فلسفه‌ی اسلامی همان فلسفه‌ی یونان است؛ پس فلسفه است نه کلام؛ و این جدال و کشمکش ابتدا باید میان این دو دسته حل گردد تا بعد پای فلسفه‌ی اسلامی به محکمه‌ی قضاوت کشیده شود.

چنان‌که گفته شد بحث از چیستی فلسفه‌ی اسلامی و نقد منتقدان آن در این مقدمه‌ی کوتاه نه ممکن است و نه مطلوب؛ اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که روش این گفت‌وگو یک روش انتزاعی مبتنی بر کلی‌گویی‌های بدون مأخذ و مدرک نیست و البته اگر چنین روشی اتخاذ شود — ما در دام مغالطه

خواهیم افتاد و راه را از چاه نخواهیم شناخت و انگیزه خلط خواهیم نمود و تفکیک مقام گردآوری و داوری را در هم خواهیم شکست و پیش داوری‌های مغرضانه را به جای داوری‌های منصفانه خواهیم نهاد و با گوش انکار از شنیدن هر چیزی عاجز خواهیم بود.

روش این گفت‌وگو بیش از هر چیز مبتنی بر داده‌هایی است که میان نوشته‌های فیلسوفان مسلمان منتشر شده است و برای رسیدن به یک داوری منصفانه باید یکایک مباحث طرح شده در این نوشته‌ها استخراج و دسته‌بندی شود؛ تا بتوان آن را با مباحث مستخرج از علم کلام و فلسفه یونان سنجید و در ترازوی خرد گذاشت؛ غبار تاریخی آن را زدود و به یک پژوهش علمی مبتنی بر اشتراکات و اختلافات رسید و ناظر بر آن حکم کرد.

اگر فلسفه اسلامی همان کلام است و به قصد دفاع از آن طراحی شده است، پس این همه مخالفت و تکفیر از ناحیه متکلمان و متشرعان برای چیست و چرا این جماعت، فلسفه مسلمان را همیشه تافته جدا بافته از دین خوانده‌اند و آثارشان را عین ضلالت و گمراهی تلقی کرده‌اند و نوشته‌هایشان را مشحون از «تهاوت» یافته‌اند^۱ و از نهادن «قفل اسطوره‌ی ارسطو» بر «در احسن الملل» نهی کرده‌اند^۲ و به «کشتی گرفتن» با فیلسوفان و بر زمین زدن آن‌ها مشغول شده‌اند^۳ و «کاف کفر»^۴ و لذت بخش‌تر از «فاء فلسفه» نامیده‌اند^۵. اشارات بوعلی را «بی‌راه» خوانده‌اند و «شفای» او را «کاسه‌ی زهر» نام

۱. ر. ک. غزالی، محمد بن محمد، تهافت الفلاسفه، به کوشش سلیمان دنیا، تهران، شمس

تیریزی، ۱۳۸۲ ش.

۲. ر. ک. خاقانی، دیوان اشعار، به کوشش ضیاءالدین سجادی، تهران، زوار، ۱۳۷۳ ش.

قصاید، شماره‌ی ۹۷.

قفل اسطوره‌ی ارسطو را بر در احسن الملل نهید

۳. ر. ک. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، مصارعة الفلاسفه، به کوشش موفق فوزی الجبر،

سوریه، دارمعد للتحقیق والنشر، ۱۹۹۷ م.

۴. ر. ک. عطار، فریدالدین، منطق الطیر، به کوشش احمد خاتمی، تهران، سروش، ۱۳۸۲ ش.

خوشترم آید ز فاء فلسفه

بیش تر با مردم آگه زند

کاف کفرانی جان به حق المعرفه

چون که این علم لزج گر ز زند